

تحلیل چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در استان لرستان

مجتبی صالحی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان

مهدی رحیمیان^۱

استادیار گروه توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان

سعید غلام رضایی

استادیار گروه توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، تحلیل چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش، تمامی اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی استان لرستان بود (N= 772) که ۱۶۰ نفر از آنان با استفاده از فرمول کوکران به‌عنوان حجم نمونه تعیین گردید. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب و داده‌های موردنیاز از آنان به‌وسیله پرسشنامه گردآوری شد. روایی و پایایی پرسشنامه به ترتیب، به روش اعتبار محتوایی و ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۶) مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و LISREL انجام شد. بر اساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی در استان لرستان به ترتیب اهمیت در هفت نوع چالش‌های مدیریتی-اداری، قانونی-سیاسی، تولیدی-بازاریابی، ویژگی‌های اعضای آموزشی، مالی-اعتباری و چالش‌های پایشی-برنامه‌ریزی دسته‌بندی شدند. این چالش‌ها توانستند ۷۴/۵ درصد از واریانس کل را تبیین نمایند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز حاکی از معنی‌داری و تأیید عوامل یادشده به‌عنوان چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی بود.

واژه‌های کلیدی: صندوق‌های اعتبارات خرد، زنان روستایی، توانمندسازی.

۱- نویسنده مسئول مکاتبات: mehdi_rahimian61@yahoo.com

مقدمه

فقر روستایی یکی از مشکلات دوره کنونی به شمار می‌رود و یکی از راه‌های ناگزیر پیشرفت و جلوگیری از افزایش فقر روستاییان، توجه به وضعیت معیشتی خانوارهای روستایی است (نجفی و حیاتی، ۱۳۹۱). از عوامل عمده فقر روستاییان می‌توان به عوامل اقتصادی، کشاورزی، شغلی، روابط اجتماعی و میزان مشارکت اقتصادی اشاره کرد (عزیزی خالخیلی و زمانی، ۱۳۹۲). از طرف دیگر نیروی انسانی نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. برخی از پژوهشگران دلیل عمده پایین بودن پیشرفت‌های فناوری در کشورهای در حال توسعه را نه به محدودیت عوامل تولید بلکه به عدم توسعه‌یافتگی منابع انسانی نسبت می‌دهند (میرترابی و همکاران، ۱۳۸۹).

در این راستا، باید بخشی از سهم سرمایه‌گذاری دولت در توسعه منابع انسانی به زنان تخصیص یابد. هرچند ضرورت و الزام اقتصادی اشتغال و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی همواره در تاریخ توسعه جوامع روستایی مطرح بوده اما در این زمینه، هنوز برای زنان روستایی وضعیت مطلوب ایجاد نشده است که یکی از دلایل آن توجه اندک به آموزش زنان و عدم بسترسازی مناسب برای ایجاد فرصت‌های اشتغال آن‌هاست (پاپزن و همکاران، ۱۳۹۰).

بررسی‌های انجام‌شده طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند، این مسأله به این دلیل است که زنان از امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند، زیرا وجود منابع و محدودیت‌های فراوان بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنان با مشکل مواجه ساخته است (خداوردی‌لو و بریمانی، ۱۳۸۸). حال زنان با زندگی در جوامع روستایی تجربه‌ای متفاوت از تبعیض و محرومیت را می‌گذرانند، زیرا آنان عهده‌دار فعالیت‌های اقتصادی هستند که منجر به کسب درآمد ملموس نمی‌شود و همین امر سبب می‌گردد تا آنان موقعیت اجتماعی - اقتصادی پایین‌تری پیدا کنند، دسترسی و مالکیت شان بر منابع محدود شود (Kaur et al., 2005). نگرانی از هرچه فقیرتر شدن زنان سبب اجرای طرح‌های متفاوتی از جمله «توانمندسازی زنان» شده است (شادی طلب و همکاران، ۱۳۸۴). با این‌که توانمندسازی اصطلاح و مفهوم تازه‌ای نیست (Sinha, 2012) (et al)، اما هنوز هم فاقد یک تعریف مشخص و شفاف است (Hennink et al, 2012).

مفهوم توانمندسازی، نخستین بار در دهه‌ی ۱۹۸۰ ارائه گردید. این مفهوم بیشتر به قادر ساختن افراد به حل مشکلات، برخورداری از شایستگی‌های موردنیاز برای انجام فعالیت‌های شغلی، افزایش اعتماد و ارتقای عزت‌نفس اشاره دارد (2015 Rehman et al). از طرف دیگر امروزه زنان به‌عنوان نیمی از شهروندان و کسانی که در فرهنگ‌سازی جامعه نقش عمده‌ای دارند، مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند و لازم است جهت نیل به توسعه پایدار به توانمندسازی آن‌ها توجه خاص مبذول شود.

نظریه‌های توانمندسازی خواستار قدرت دادن به زنان نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آن‌ها برای اتکا، به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲).

طی دهه‌های اخیر، برنامه‌های اعتبارات خرد از رهیافت مهم فقرزدایی و توانمندسازی زنان در جهان بوده است؛ به‌طوری‌که از آن به‌عنوان انقلاب اعتبارات خرد یاد می‌کنند. برنامه اعتبارات خرد با ایجاد و گسترش فعالیت‌های درآمدزا به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر، توسعه جوامع محلی را تسهیل می‌کند. در واقع اعتبارات خرد به‌عنوان رویکردی در مقابل رویکرد یارانه‌ای دولت مطرح گردیده است؛ زیرا تحقیقات نشان داده است که مؤسسات دولتی قادر به تأمین نیازهای متقاضیان نیستند و پایداری خدمات آن‌ها مورد تردید است (مافی، ۱۳۸۶).

وام‌های خرد ابزار توسعه و پایداری در مقابله با فقر و باعث کاهش نابرابری‌های جنسیتی بوده است. در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها، اعتبارات خرد به‌عنوان راهکاری مناسب برای مقابله با فقر مطرح شده است و برخی از کشورها در این زمینه به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافته‌اند. اهمیت این دستاورد به‌گونه‌ای بوده که بانک جهانی سال ۲۰۰۵ را سال اعتبارات خرد نام‌گذاری و کشورهای در حال توسعه را در به‌کارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده است (نگین، ۱۳۸۴). اهمیت و توجه به اعتبارات خرد در اولین نشست اعتبارات کوچک در واشنگتن در سال ۱۹۹۷ برجسته شد. مجمع عمومی سازمان ملل در پنجاه و سومین اجلاس خود در ۱۵ مارس ۱۹۹۸ برای نشان دادن اهمیت هر چه بیشتر اعتبارات خرد، سال ۲۰۰۵ را به‌عنوان سال اعتبارات خرد نام‌گذاری کرد تا برنامه‌های اعتبارات خرد در سطح جهان مورد توجه و تأکید بیشتر قرار گیرند (بختیاری، ۱۳۸۶).

در پی موفقیت برنامه‌های مالی خرد در سطح جهان، طرح‌هایی در همین زمینه در ایران اجرا شده است. از میان این طرح‌ها که دولت آن را حمایت و اجرا کرده است، می‌توان از صندوق اعتبارات خرد روستایی نام برد که از سال ۱۳۷۹ تاکنون در دستور کار دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفته است (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹)؛ اما با وجود تشکیل این صندوق‌ها برای توانمندسازی زنان روستایی این صندوق‌ها با مشکلات فراوانی مواجه‌اند. از جمله بررسی روند تشکیل صندوق‌ها بیان‌گر آن است که استانداردهای تعریف شده و مشخصی برای کارگزاران تشکیل این صندوق‌ها تدوین نشده و در نتیجه موفقیت یا عدم موفقیت آن‌ها تا حد زیادی وابسته به مسئولیت‌پذیری کارشناسان میدانی ترویج بوده است.

یکی دیگر از مسائل تأمل برانگیزی که لزوم بازنگری در ساختار کنونی صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی را نمایان می‌سازد، عدم توانایی اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد در اداره و جوه خود می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد که این صندوق‌ها نه‌تنها در آینده با مشکل تأمین نقدینگی مواجه

صندوق‌های اعتبارات خرد در ایران با جمع‌آوری پس‌اندازهای اندک زنان روستایی و سازمان‌دهی این منابع مالی در فعالیتهای درآمدزا با ارجحیت کشاورزی، سعی دارند ضمن حمایت مالی آنان در مسیر تولید، روحیه همیاری و خودیاری آنان را تقویت نموده و موجب ارتقاء اعتمادبه‌نفس و موقعیت اجتماعی آنان شود.

این صندوق‌ها، گرچه در طی سالیان قبل از موفقیت‌های نسبی برخوردار شده‌اند، اما در آینده با افزایش حجم سرمایه صندوق‌ها و به دلیل ابهاماتی که در نحوه مدیریت آن‌ها وجود دارد، با چالش‌های جدی مواجه خواهند شد. لذا ضروری به نظر می‌رسد که با استراتژی‌های مناسب، اقدام به رفع نقاط ضعف صندوق‌ها نمود و در نتیجه شرایط را برای تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت فراهم نمود. در استان لرستان از سال ۱۳۸۶ تاکنون ۲۴ صندوق اعتبارات خرد با ۷۷۲ نفر عضو عادی مشغول فعالیت می‌باشند. هم‌چنین تأسیس ۳۵ صندوق جدید دیگر در دستور کار مدیریت هماهنگی‌های ترویج جهاد کشاورزی استان لرستان قرار دارد (مدیریت ترویج جهاد کشاورزی استان لرستان، ۱۳۹۵).

بررسی‌های میدانی انجام‌شده توسط گروه تحقیق از تعدادی از صندوق‌های اعتباری خرد مستقر در استان لرستان و هم‌چنین مصاحبه با کارشناسان فعال در این حوزه، بیان‌گر این مسأله بود که اداره برخی از صندوق‌ها در دستیابی به مهم‌ترین رسالت خود، یعنی توانمندسازی زنان روستایی، با چالش‌ها و موانعی همراه است. در مواردی مشکلات به‌گونه‌ای رقم خورده بود که ارائه هرگونه راهکار در جهت حل مشکلات صندوق‌های اعتبارات خرد در استان لرستان نیازمند انجام تحقیقات میدانی در حوزه آسیب‌شناسی فعالیت این صندوق‌ها و بررسی چالش‌های فراروی آنان می‌باشد. سؤالی که ممکن است در این زمینه مطرح شود این است که مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی این صندوق‌ها اعتباری کدامند؟ کدام دسته از چالش‌ها از نظر اهمیت و در اولویت قرار دارند؟ پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال و پرسش‌هایی از این دست و با هدف تحلیل چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در استان لرستان انجام شده است.

اهداف تحقیق

هدف کلی از انجام پژوهش حاضر تحلیل و واکاوی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در استان لرستان می‌باشد. در راستای دستیابی به هدف کلی این تحقیق، اهداف اختصاصی زیر قابل تعریف می‌باشد:

- دسته‌بندی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی.
- تأیید عوامل استخراج‌شده با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی.
- اولویت‌بندی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی.

می‌شوند، بلکه هم‌چنین فاقد مهارت‌های لازم برای اداره امور مالی به‌صورت موفقیت‌آمیز می‌باشند (مهجرائی، ۱۳۸۲).

چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی توسط محققان مختلفی موردبررسی و تحلیل قرار گرفته است. در پژوهشی که محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۳) انجام دادند به این نتیجه رسیدند که کم بودن میزان اعتبارات پرداختی، کوچک‌مقیاس بودن واحدهای تولیدی و عدم ارائه آموزش‌های لازم از مشکلاتی هستند که باعث عدم اثرگذاری مثبت اعتبارات شده‌اند. به باور فقیری و همکاران (۱۳۹۱) یکی از عوامل بازدارنده توانمندسازی زنان روستایی عدم آگاهی آن‌ها از حقوق و قابلیت‌های خویش است. طبق نتایج مطالعه حسن‌زاده و قویدل (۱۳۸۴)، صندوق‌های اعتبارات خرد در ایران دارای مشکلاتی مثل کمبود سرمایه و کمک‌های مالی ناچیز و هزینه‌های عملیاتی بالا و کارکنان آموزش ندیده می‌باشند.

قلی‌نیا و همکاران (۱۳۸۴) معتقدند که برخی از عمده‌ترین عوامل شکست صندوق‌های اعتبارات خرد در استان کرمانشاه عبارت‌اند از: عدم زمینه‌یابی‌های مناسب از روستاهای هدف، شرایط نامناسب عضویت زنان و عدم نیازسنجی‌های دقیق از وضعیت زنان روستایی. (Saharan (2015) چالش‌ها و موانع اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان فقیر در کشور هند را شامل موارد زیر می‌داند: نبود دانش و آگاهی از وضعیت بازار و موقعیت‌های سودمند که از طریق انتخاب مشاغل مشکل ایجاد می‌شود، انجام حساب داری ضعیف، استخدام تعداد زیادی از اقوام و نزدیکان در واحد تولیدی و ایجاد فشار از سوی آن‌ها برای تقسیم سود حاصله، تعیین قیمت‌های قراردادی و به‌صورت دلخواهی، نرخ سود بالا، عدم توجه به نرخ تورم، قوانین و سیاست‌هایی که به تدریج موجب ورشکستگی مشاغل خرد مربوط به زنان می‌شوند.

Yogendrarajah & Lecturer (2014) مهم‌ترین چالش‌های فراروی صندوق‌ها را کمبود منابع مالی و تعداد کم صندوق‌ها، دسترسی کم زنان به آموزش و مهارت در زمینه مهارت‌های مدیریتی و فنی و کارآفرینی، ناکارآمدی نظام تولید و ضعف در زیرساخت‌ها می‌دانند.

Semasinghe & Rathirane (2014) مهم‌ترین چالش‌های فراروی صندوق‌ها را کمبود منابع مالی و تعداد کم صندوق‌ها، دسترسی کم زنان به آموزش و مهارت در زمینه مهارت‌های مدیریتی و فنی و کارآفرینی، ناکارآمدی نظام تولید و ضعف در زیرساخت‌ها می‌دانند. در تحقیقی دیگر Meyer (2012) مهم‌ترین چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد را بازار ضعیف و مقرون‌به‌صرفه نبودن صندوق‌ها (مشکل بازگشت سرمایه) می‌داند. نتایج مطالعه Hoque (2009) & Itohara در بنگلادش نشان داد که اگرچه صندوق‌های اعتبارات خرد در زمینه توانمندسازی زنان روستایی موفق بوده‌اند، اما توانمندسازی آن‌ها تنها به بعد اقتصادی محدود و از ابعاد توانمندسازی اجتماعی، سیاسی و خانوادگی غافل بوده‌اند. از مجموع آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که

روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی، از نظر نحوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع میدانی است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد استان لرستان بوده که تعداد اعضای این صندوق‌ها ۷۷۲ نفر می‌باشد. حجم نمونه عبارت است از تعدادی افرادی که نمونه آماری را تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد که فرمول کوکران به صورت زیر می‌باشد:

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2}$$

n = حجم نمونه

S = انحراف معیار (جامعه)

N = حجم جامعه

d = دقت احتمالی

t = ۱/۹۶

به منظور تعیین انحراف معیار جامعه مورد مطالعه و همچنین تعیین دقت احتمالی مطلوب، تعداد ۳۰ نمونه از جامعه آماری مورد تحقیق، به طور تصادفی انتخاب و پیش‌آزمون شد. همچنین واریانس متغیر چالش کل صندوق‌های اعتبارات خرد اندازه‌گیری شد. انحراف معیار به دست آمده از این پیش‌آزمون ۱/۰۵ بوده و دقت احتمالی مطلوب نیز از طریق فرمول زیر محاسبه شده است.

$$d = t \cdot \frac{S}{\sqrt{n}}$$

$$1.96 \times \frac{1.05}{\sqrt{30}} = 0.376$$

به منظور افزایش دقت و صحت نتایج مقدار به دست آمده تا حد ۰/۱۵ تعدیل داده شد و حجم نمونه طبق فرمول کوکران به صورت زیر محاسبه گردید:

$$n = \frac{772(1.96 \times 1.05)^2}{772 \times (0.15)^2 + (1.96 \times 1.05)^2} = \frac{3269}{21.6} = 151$$

بر اساس فرمول کوکران، تعداد نمونه مناسب برای این تحقیق ۱۵۱ نفر به دست آمد؛ اما برای اطمینان بیشتر ۱۶۰ پرسشنامه تکمیل گردید.

در این تحقیق نمونه‌گیری در دو مرحله انجام شد. با توجه به این که از نظر توزیع مکانی، صندوق‌های اعتباری در سطح کل استان لرستان وجود داشتند، موقعیت جغرافیایی، مبنای انتخاب شهرستان‌ها در مرحله اول گردید. بدین ترتیب پنج شهرستان از شمال (بروجرد)، جنوب (پلدختر)، شرق (الیگودرز)، غرب (کوهدشت) و مرکز (خرم‌آباد) استان انتخاب شد و مابقی شهرستان‌ها کنار گذاشته شد. سپس درصد انتخاب نمونه هر شهرستان از حجم نمونه متناسب با تعداد اعضای عادی موجود در هر شهرستان مشخص گردید. پس از آن در هر بخش به نسبت متناسب با جامعه آماری به صورت تصادفی نسبت به گردآوری اطلاعات اقدام گردید.

پرسشنامه پژوهش‌گرا ساخت بوده که روایی پرسشنامه، به روش اعتبار محتوایی و با استفاده از نظرت کارشناسان دارای تجربه در زمینه صندوق‌های اعتبارات خرد و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۶) مورد تأیید قرار گرفت. مقدار آلفای به دست آمده حاکی از قابل قبول بودن گویه‌های مورد استفاده در پرسشنامه بود. در بخش اول پرسشنامه، ویژگی‌های زنان روستایی عضو صندوق‌ها مورد پرسش قرار گرفت.

در بخش دوم پرسشنامه نیز شدت هر یک از چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی از طریق ۱۹ گویه (چالش) و در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) مورد سنجش قرار گرفت. استخراج ابعاد پنهان در بین چالش‌های مختلف صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی و دسته‌بندی آن‌ها از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. سپس تأیید عوامل استخراج شده با تکنیک تحلیل عاملی تأییدی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار LISREL انجام شد. اولویت‌بندی مؤلفه‌های موجود نیز از طریق ضریب تغییرات (CV) تعیین شد.

یافته‌ها آمار توصیفی

بر اساس نتایج توصیفی ارائه شده در جدول ۱، ۸۱/۹ درصد اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد، متأهل، ۱۳/۱ درصد مجرد، ۱/۹ درصد بیوه فوت همسر و ۱/۳ درصد بیوه مطلقه بودند. محدوده سنی پاسخگویان بین ۲۰ تا ۵۵ و میانگین سن آنان ۳۶ سال بود و بیشتر افراد در گروه سنی ۳۰-۴۰ سال قرار داشتند. سطح سواد بیشتر اعضای (۶۴/۴ درصد) پایین‌تر از دیپلم، ۲۳/۱ درصد دیپلم و ۱۲/۶ درصد نیز دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. ۹۵/۶ درصد اعضای خانه‌دار و فقط ۴/۴ درصد غیر خانه‌دار بودند.

جدول ۱. ویژگی‌های اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد

متغیر	وضعیت در خانواده	وضعیت تأهل	میزان تحصیلات		شغل	مسئولیت در صندوق								
			پایین‌تر از دیپلم	پایین‌تر از دیپلم		غیر سرپرست	سرپرست	مناهل	مجرد	بیوه مطلقه	بیوه فوت همسر			
گروه‌ها	سرپرست	مناهل	مجرد	بیوه مطلقه	بیوه فوت همسر	پایین‌تر از دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم و بالاتر	خانه‌دار	غیر خانه‌دار	مدیرعامل	حسابدار	منشی	عضو عادی
درصد	۱۵	۸۵	۱۳/۱	۳/۸	۱/۳	۶۴/۴	۲۳/۱	۱۲/۶	۹۵/۶	۴/۴	۵/۶	۳/۸	۳/۸	۸۶/۹

طبق نتایج حاصله از جدول ۲، میانگین بعد خانوار ۵ نفر و بیشتر افراد (۸۰/۶ درصد) دارای خانواده‌های ۳ تا ۶ نفره بودند. از نظر مسئولیت در صندوق، ۸۶/۹ درصد پاسخگویان عضو عادی صندوق، ۳/۸ درصد منشی، ۳/۸ درصد حساب دار و ۵/۶ درصد نیز مدیرعامل بودند. میانگین مبلغ وام دریافتی آنان ۶۶۰ هزار تومان و دامنه تغییرات آن بین صفر تا ۱/۷ میلیون تومان بود. دامنه تغییرات تعداد فقره وام دریافتی پاسخگویان بین ۰ تا ۴ فقره و میانگین آن ۲/۴۱ فقره وام بود. دیگر نتایج نشان داد که هر کدام از اعضای به‌طور میانگین ۱/۴۷ دوره آموزشی را گذرانده بودند. دامنه تغییرات تعداد دوره آموزشی گذرانده بین ۰ تا ۵ دوره بود.

جدول ۲. ادامه ویژگی‌های اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد

سن (سال)	بعد خانوار (نفر)	درآمد ماهیانه خانوار (هزار تومان)	مبلغ وام دریافتی (هزار تومان)	تعداد وام دریافتی (فقره)	تعداد دوره آموزشی گذرانده	میانگین (واحد)
۳۶/۳۷	۵	۶۸۵	۶۶۰	۲/۴۱	۱/۴۷	میانگین
۲۰-۵۵	۱-۹	۰-۳	۰-۱۷۰۰	۰-۴	۰-۵	دامنه
۳۰-۴۰	۳-۶	۱۰۰۰ تا ۵۰۰	۱۰۰۰ تا ۵۰۰	۱	۱	گروه اکثریت

تحلیل عاملی اکتشافی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی

در این مطالعه هدف از انجام تحلیل عاملی اکتشافی، دسته بندی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی استان لرستان می‌باشد. تعیین و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی با استفاده از آماره‌های KMO و آزمون بارتلت انجام

شده است. مقدار KMO (۰/۸۹) و معنی‌داری آزمون بارتلت (مقدار آماره ۶۱۷۸/۵۹ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰) نشان داد که داده‌ها برای تحلیل عاملی بسیار مناسب هستند.

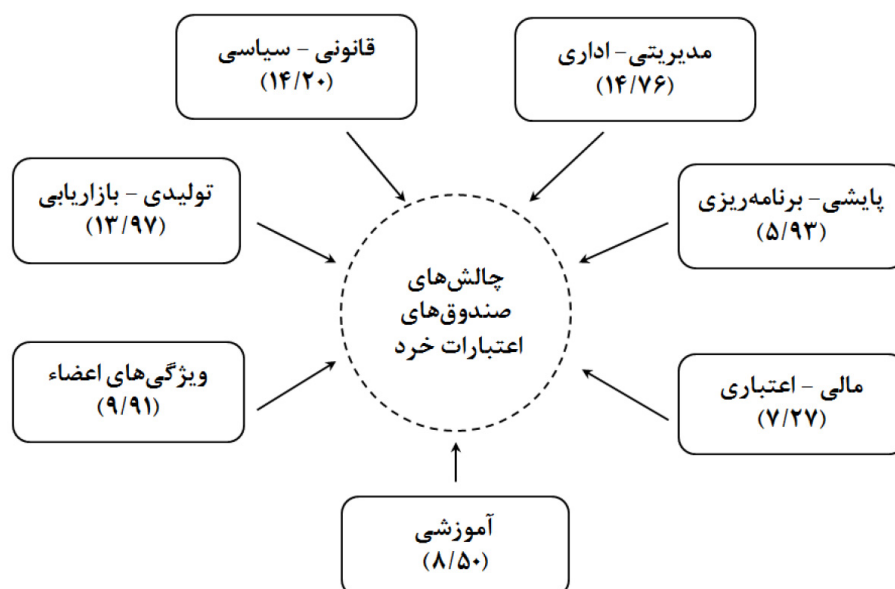
یکی از موارد مهم در تحلیل عاملی، تعیین تعداد عوامل قابل استخراج است. در این تحقیق مبنای تعیین تعداد عواملها مقادیر ویژه بیشتر از یک بود. تعداد عوامل‌های استخراج شده با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آنها برای چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی تعیین و در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. عوامل استخراج شده با مقدار ویژه و درصد واریانس تبیین شده آنها

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی
۱	۵/۷۶۳	۱۴/۷۷۶	۱۴/۷۷۶
۲	۵/۵۳۹	۱۴/۲۰۲	۲۸/۹۷۹
۳	۵/۴۵۱	۱۳/۹۷۶	۴۲/۹۵۵
۴	۳/۸۶۸	۹/۹۱۸	۵۲/۸۷۲
۵	۳/۳۱۷	۸/۵۰۶	۶۱/۳۷۸
۶	۲/۸۳۸	۷/۲۷۷	۶۸/۶۵۶
۷	۲/۳۱۳	۵/۹۳۲	۷۴/۵۸۸

طبق نتایج به‌دست‌آمده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی استان لرستان، در هفت عامل دسته‌بندی شدند. این هفت عامل در مجموع ۷۴/۵۸ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند (جدول ۳). چالش‌های مدیریتی-اداری صندوق با مقدار ویژه ۵/۷۶ به‌عنوان عامل اول و مهم‌ترین عامل ۱۴/۷۷ درصد از واریانس کل را تبیین نمود. سایر عوامل نیز به ترتیب اهمیت شامل قانونی-سیاسی، تولیدی-بازاریابی، ویژگی‌های اعضای، آموزشی، مالی-اعتباری و پایشی-برنامه‌ریزی بودند که به ترتیب ۱۴/۲۰، ۱۳/۹۷، ۹/۹۱، ۸/۵۰، ۷/۲۷ و ۵/۹۳ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند (نگاره ۱). در جدول ۶ هر یک از عوامل و گویه‌های تشکیل دهنده آنها قابل مشاهده می‌باشند.

نگاره ۱. چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی و واریانس تبیین شده هر چالش



تحلیل عاملی تأییدی

همان‌طور که نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در هفت دسته‌بندی و مشخص شدند. این بخش برای تأیید عوامل استخراج شده و برازش الگوی ارائه‌شده چالش‌های این صندوق‌ها با ۱۹ مؤلفه

و در هفت دسته وارد تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم شدند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار LISREL مورد تحلیل قرار گرفتند. در جدول ۴ مقدار بار عاملی استاندارد شده عوامل و سطح معنی‌داری آن‌ها با توجه به مقدار t در تحلیل عاملی تأییدی ارائه شده است.

جدول ۴. مقادیر بارهای عاملی استاندارد شده و سطح معنی‌داری چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد

سازه	عوامل	نماد در مدل	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	سطح معناداری	ضریب همبستگی	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
چالش‌ها	مدیریتی- اداری	Management	۰/۵۵	۰/۶۲	۱۰/۰۸**	۰/۳۳	۰/۸۳	۰/۵۹
	قانونی-سیاسی	Policy	۰/۷۱	۰/۵۰	۱۵/۷۸**	۰/۵۰	۰/۹۲	۰/۷۹
	تولیدی-بازاریابی	Productive	۰/۵۶	۰/۶۹	۱۱/۸۱**	۰/۳۱	۰/۹۲	۰/۷۹
	ویژگی‌های اعضا	Characteristic	۰/۸۵	۰/۲۸	۱۵/۰۵**	۰/۷۲	۰/۸۶	۰/۷۰
	آموزشی	Educational	۰/۹۹	۰/۰۱	۱۷/۳۴**	۰/۹۸	۰/۶۶	۰/۴۲
	مالی-اعتباری	Financial	۰/۶۷	۰/۵۲	۴/۱۷**	۰/۴۶	۰/۳۴	۰/۲۲
	پایشی-برنامه‌ریزی	Monitoring	۰/۵۴	۰/۷۱	۸/۹۰**	۰/۲۹	۰/۴۵	۰/۵۵

** معنی‌داری در سطح یک درصد

با توجه به نتایج ارائه‌شده در جدول ۴ مشاهده می‌شود که تمامی عوامل دارای مقدار t بالاتر از $1/96$ می‌باشند. همچنین، نتایج جدول مذکور نشان می‌دهد که برای سازه چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد، شاخص‌های پایایی ترکیبی (CR) و میانگین واریانس استخراج شده AVE از مقدار نسبتاً مناسبی و قابل قبولی برخوردار می‌باشند؛ بنابراین، می‌توان اظهار کرد که تمامی مؤلفه‌های انتخابی برای بررسی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد از دقت لازم و کافی برخوردارند و روایی و پایایی آن‌ها نیز مورد تأیید است.

همچنین برای سنجش برازش مدل از شاخص‌هایی نظیر؛ شاخص کای اسکویر بر درجه آزادی (X^2/df)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص نرم شده برازندگی (NFI)، شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل برازندگی (AGFI)، شاخص برازندگی فرآیند (IFI) و شاخص جذر برآورد خطای تقریب (RMSEA) استفاده شد. مقدار معیار (حد مطلوب) و مقدار گزارش شده هر یک از شاخص‌های فوق در جدول ۵ آورده شده است.

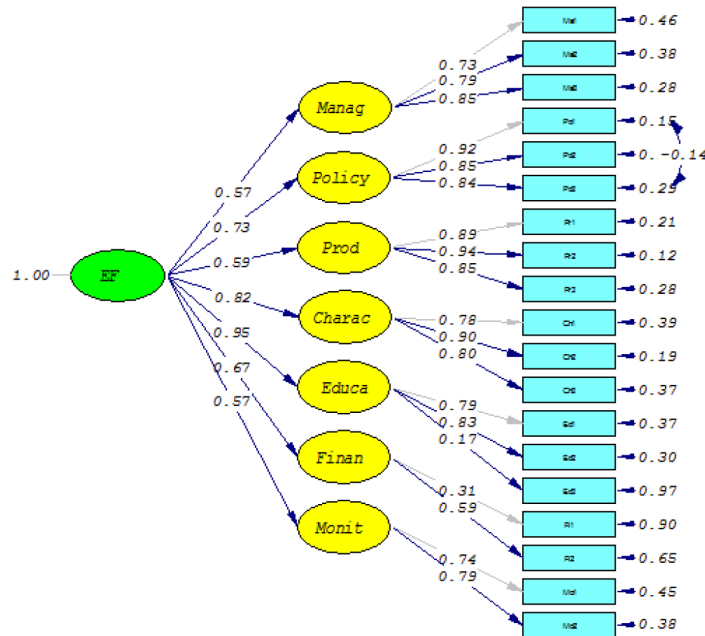
جدول ۵. نتایج میزان انطباق مقدار گزارش شده شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش با شاخص‌های معیار

شاخص	معیار (حد مطلوب)	مقدار گزارش شده
GFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۶
AGFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۱
NFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۴
NNFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۴
IFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۵
CFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۵
RMSEA	کوچک‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۷۵

با توجه به مقدار گزارش شده شاخص‌های برازندگی در جدول ۵ مشاهده می‌شود که مدل تأییدی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد از برازش مناسب و قابل قبولی برخوردار می‌باشد؛ بنابراین، می‌توان گفت که داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی

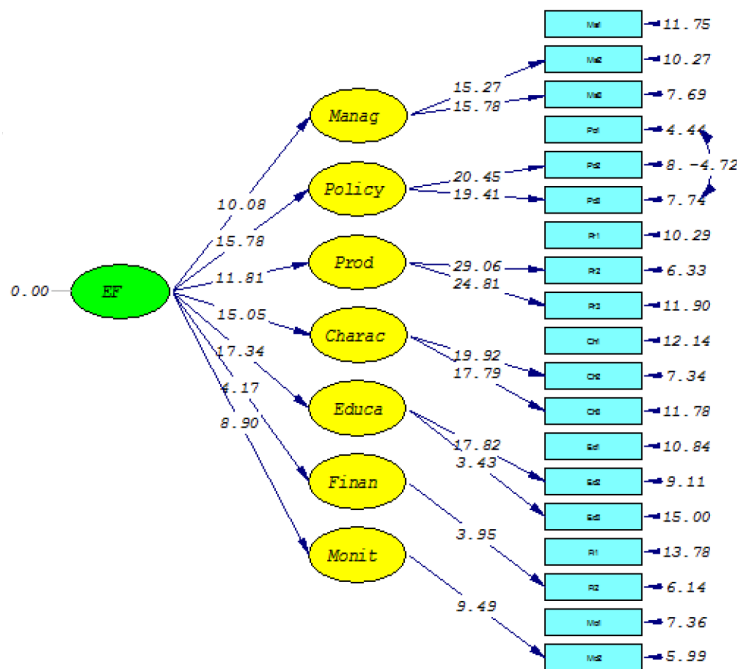
و زیربنای نظری تحقیق برآزش مناسبی دارند و این بیانگر هم سو بودن مؤلفه‌ها با سازه نظری چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد می‌باشد. لذا در تحقیقات آتی نیز می‌توان از آن‌ها برای سنجش بررسی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد استفاده کرد. همچنین مدل اندازه‌گیری برآزش یافته (پس از انجام اصلاحات) مربوط به چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد با نمایش بارهای عاملی استاندارد شده در نگاره ۲ و در حالت معنی‌داری نگاره ۳ ارائه شده است.

نگاره ۲. مدل تأییدی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در حالت استاندارد



Chi-Square=725.74, df=143, P-value=0.00000, RMSEA=0.075

نگاره ۳. مدل تأییدی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در حالت معنی‌داری



Chi-Square=725.74, df=143, P-value=0.00000, RMSEA=0.075

اولویت‌بندی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی

به‌منظور اولویت‌بندی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی، از آماره ضریب تغییرات استفاده شد. نتایج این بخش در جدول ۶ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که در بین چالش‌های موجود پایین بودن ریسک و شهامت زنان برای ورود به بازار و کسب‌وکار، ضعیف بودن تبلیغات و بازاریابی ضعیف محصولات تولیدی و ضعف زیرساخت‌های تولید (بازار فروش، تهیه نهاده، حمل‌ونقل و ...) به ترتیب، مهم‌ترین چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی بوده است.

جدول ۶. اولویت‌بندی چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی

عامل	گویه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه	بار عملی	نماد در مدل
مدیریتی - اداری (Management)	حسابداری ضعیف صندوق‌ها	۳/۲۷	۱/۲۳۲	۰/۳۷۶	۱۱	۰/۷۳	Ma1
	عدم تشکیل منظم جلسات	۳/۲۲	۱/۳۳۰	۰/۴۱۳	۱۵	۰/۷۹	Ma2
	عدم پاسخگویی مسئولان صندوق‌ها	۳/۳۱	۱/۴۴۹	۰/۴۳۷	۱۷	۰/۸۵	Ma3
قانونی - سیاسی (Policy)	قوانین و سیاست‌های دست‌وپاگیر دریافت وام	۳/۴۱	۱/۲۳۰	۰/۳۶۰۷	۶	۰/۹۲	Po1
	قوانین و مقررات دست و پاگیر برای عضویت در صندوق	۳/۶۴	۱/۳۱۴	۰/۳۶۰۹	۷	۰/۸۵	Po2
	نفوذ سیاسی دیگر ادارات دولتی در فعالیت صندوق‌ها	۳/۲۴	۱/۵۱۵	۰/۴۶۷	۱۹	۰/۸۴	Po3
تولیدی - بازاریابی (Productive)	ضعیف بودن تبلیغات و بازاریابی محصولات تولیدی	۳/۷۷	۱/۰۴۷	۰/۲۷۷	۲	۰/۸۹	Pr1
	ضعف زیرساخت‌های تولید (بازار فروش، تهیه نهاده، حمل‌ونقل و...)	۳/۵۱	۱/۱۸۷	۰/۳۳۸۱	۳	۰/۹۴	Pr2
	وجود دلالان و سودآوری کم محصولات تولیدشده	۳/۳۳	۱/۳۱۱	۰/۳۹۳	۱۴	۰/۸۵	Pr3
ویژگی‌های اعضا (Characteristic)	پایین بودن ریسک و شهامت زنان برای ورود به بازار و کسب‌وکار	۳/۸۹	۱/۰۴۶	۰/۲۶۸	۱	۰/۷۸	Ch1
	اختیار نداشتن زنان در تصمیم‌گیری برای نحوه مصرف وام در خانواده	۳/۵۱	۱/۲۱۳	۰/۳۴۵	۵	۰/۹۰	Ch2
	پایین بودن سطح سواد و مهارت ناکافی زنان در خصوص مهارت‌های تولیدی	۳/۲۶	۱/۲۳۵	۰/۳۷۸۸	۱۲	۰/۸۰	Ch3
آموزشی (Educational)	کمبود دوره‌های آموزشی در خصوص نحوه مصرف وام	۳/۳۲	۱/۱۲۴	۰/۳۳۸۵	۴	۰/۷۹	Ed1
	کیفیت پایین دوره‌های آموزشی برگزارشده	۳/۳۶	۱/۲۲۵	۰/۳۶۴۵	۸	۰/۸۳	Ed2
	وجود کارکنان آموزش ندیده در صندوق‌ها	۳/۲۹	۱/۲۴۶	۰/۳۷۸۷	۱۳	۰/۱۷	Ed3
مالی - اعتباری (Financial)	کمبود اعتبار و مبلغ وام	۳/۳۷	۱/۲۶۷	۰/۳۷۵	۱۰	۰/۳۱	Fi1
	نرخ بالای سود وام	۳/۲۱	۱/۴۸۵	۰/۴۶۲	۱۸	۰/۵۹	Fi2
پایشی - برنامه‌ریزی (Monitoring)	مصرف وام در موارد غیرتوانمندساز	۳/۳۶	۱/۲۲۶	۰/۳۶۴۸	۹	۰/۷۴	Mo1
	کم‌توجهی صندوق‌ها به اولویت‌بندی نیاز زنان	۳/۲۲	۱/۴۰۴	۰/۴۳۶	۱۶	۰/۷۹	Mo2

مقیاس: (۱) خیلی کم (۲) کم (۳) متوسط (۴) زیاد (۵) خیلی زیاد

بحث و نتیجه‌گیری

زنان روستایی به دلایلی چون پایین بودن سطح درآمد خانوار، مهاجرت مردان، خودسرپرستی بخشی از آنان، سوگیری حاکم جنسیتی و نقش سه‌گانه تربیتی، مدیریت منزل و تولیدی، نیازمند توانمندسازی بیشتر و با کیفیت‌تر می‌باشند. از جمله سیاست‌هایی که در بیشتر کشورها توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی و فقیر را به همراه داشته است، اجرای برنامه‌های اعتبارات خرد و تأسیس صندوق‌های اعتبارات خرد زنان می‌باشد؛ اما نتایج این تحقیق نشان داد که این صندوق‌ها در نیل به

که کمبود و عدم وجود چنین مشخصه‌هایی در زنان به‌عنوان یک چالش مهم صندوق‌های اعتباری به شمار می‌رود.

با توجه به نتایج حاصله دسته دیگری از چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی، چالش‌های آموزشی شامل کیفیت پایین و دسترسی کم اعضای صندوق‌ها به آموزش و اطلاعات می‌باشد که با نتایج پژوهش‌های محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۳)، (Yogendrarajah & Lecturer 2014) مطابقت دارد. اگرچه در این تحقیق چالش‌های آموزشی در دسته‌های میانی این طبقه‌بندی قرار گرفته است اما بدون شک یکی از محوری‌ترین کارکرد و رسالت صندوق‌های اعتباری خرد در راستای توانمندسازی زنان آموزش اعضای این صندوق‌هاست؛ زیرا که ارائه آموزش مهارت‌های تولیدی و مشاغل زودبازده به زنان در خصوص نحوه هزینه کردن و احتمال مصرف وام در مسیرهای توانمندسازی را بالا برده و در غیر این صورت ممکن است وام در زمینه‌هایی صرف شود که درآمدزایی لازم را نداشته باشد.

چالش‌های مالی - اعتباری شامل کم بودن میزان وام و سود بالای وام از دیگر چالش‌های تعیین‌شده بود که با نتایج تحقیقات محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۳)، حسن‌زاده و قوبدل (۱۳۸۴)، (Saharan 2015)، Meyer (2012) و (Yogendrarajah & Lecturer 2014) هم‌خوانی دارد. این دسته از مشکلات، از آن جمله چالش‌هایی است که غالب صندوق‌های اعتباری با آن مواجه‌اند، زیرا با توجه به مبالغ اندک سهام اعضا و حمایت‌های ناچیز مالی از طرف دولت، بیشتر صندوق‌ها با درخواست‌های زیادی از طرف اعضا برای دریافت وام روبرو هستند. به همین دلیل تأمین منابع مالی و کمبود در این زمینه همواره یکی از چالش‌های صندوق‌های اعتباری خرد است.

آخرین دسته از چالش‌های استخراج شده، چالش‌های پایشی - برنامه‌ریزی بودند که با نتایج یافته‌های قلی‌نیا و همکاران (۱۳۸۴) و (Yogendrarajah & Lecturer 2014) مطابقت دارد. این دسته از چالش‌ها که شامل مصرف وام در موارد غیر توانمندسازی توسط وام‌گیرندگان و نیز کم‌توجهی صندوق‌ها به اولویت‌بندی نیاز زنان می‌باشد نشان می‌دهد که صندوق‌های اعتباری در زمینه هدایت و جهت‌دهی به نحوه مصرف وام‌ها با مشکل مواجه‌اند. این معضل ناشی از نظارت ضعیف صندوق‌ها بر این امر است. هم‌چنین حاکی از این مسئله است که صندوق‌های اعتباری خرد برنامه روشنی برای اعضای خود پس از پرداخت اعتبار ندارند و احتمالاً این تصور ایجاد شده است که وظیفه صندوق اعتباری در زمان پرداخت تسهیلات به اعضا به اتمام می‌رسد، این در حالی است که هدایت و نظارت بر نحوه مصرف وام گام مهمی است که لازم است پس از پرداخت وام توسط صندوق‌های اعتباری به انجام برسد.

پیشنهادها

بر اساس نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد؛

اهداف خود و به‌ویژه توانمندسازی زنان عضو، با چالش‌های متعددی مواجه‌اند.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده مهم‌ترین چالش صندوق‌های اعتبارات خرد زنان در استان لرستان مربوط به چالش‌های مدیریتی- اداری بود. این نتیجه با یافته‌های حسن‌زاده و قوبدل (۱۳۸۴)، محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۳) و (2015) Saharan هم‌خوانی دارد. این چالش مشتمل بر مواردی چون حسابداری ضعیف صندوق‌ها، عدم تشکیل منظم جلسات از سوی مسئولین و عدم پاسخگویی مسئولان صندوق‌ها به اعضای عادی می‌باشد. به نظر می‌رسد در بدو تأسیس این صندوق‌ها، مسئولان دولتی باید توجه بیشتری در خصوص توجیه وظایف اداری گردانندگان صندوق‌ها از خود نشان می‌دادند، نه این‌که دغدغه اصلی آن‌ها صرفاً تأسیس صندوق، بدون برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای توجیه و آشناسازی اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل و دیگر مسئولان صندوق‌ها با نحوه مدیریت صندوق‌ها باشد.

دومین دسته از چالش‌های استخراج شده در این تحقیق چالش‌های قانونی - سیاسی و به‌ویژه قوانین و مقررات دست و پاگیر در فعالیت‌های صندوق‌ها در زمینه عضویت و پرداخت وام بودند که با نتایج پژوهش (Saharan 2015) مطابقت دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که اجرای هر طرح و برنامه توسعه و به‌ویژه برنامه‌های توانمندسازی زنان، بدون پشتوانه قانونی و سیاسی با چالش و مشکل مواجه خواهد شد. قرار گرفتن این دسته از چالش‌ها در دسته دوم، نشان از اهمیت قوانین و مصوبه‌ها و اعمال سیاست‌ها در مدیریت و فعالیت صندوق‌های اعتباری خرد زنان است.

سومین دسته از مهم‌ترین چالش‌های مشخص‌شده در پژوهش حاضر، چالش‌های تولیدی - بازاریابی بودند که با نتایج تحقیقات (Yogendrarajah & Lecturer 2014)، (Saharan 2015) و Meyer (2012) مطابقت دارد. بدون شک پرداخت اعتبارات خرد بدون توجه به مسئله مهم تولید و مهم‌تر از آن بازاریابی محصول تولیدشده، کمک قابل‌توجهی به توانمندی زنان دریافت‌کننده اعتبار نخواهد کرد. چراکه اگر وام دریافت شده در مسیر تولیدی مناسب قرار نگیرد و یا این‌که کالا یا خدمت تولیدشده به دلیل ضعف سیستم بازاریابی به‌طور بهینه عرضه نشود، درآمد قابل‌انتظار از وام پرداخت‌شده عاید زنان نمی‌شود و دریافت وام فقط زنان را به یک بدهکار به صندوق اعتباری تبدیل خواهد کرد.

از دیگر چالش‌های مهم صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی، چالش مربوط به ویژگی‌های اعضای این صندوق‌ها می‌باشد. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات (Yogendrarajah & Lecturer 2014) هم‌خوانی دارد. این نتیجه را چنین می‌توان تفسیر نمود که احتمالاً عضویت در صندوق‌های اعتباری خرد نیازمند یک سری شرایط حداقلی از ویژگی‌های فردی چون دارا بودن شهامت ریسک‌پذیری، داشتن اختیار و قدرت تصمیم‌گیری و سطح سواد و مهارت‌های تولیدی کافی می‌باشد؛ زیرا که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد

- با توجه به استخراج و تأیید اولین دسته از چالش‌ها یعنی چالش‌های مدیریتی-اداری پیشنهاد می‌شود که انتخاب مسئولین صندوق‌ها با تعیین شروطی از قبیل برخورداری آنان از مهارت‌های اولیه حساب داری و مالی صورت پذیرد و در مواردی که چنین افرادی وجود ندارند با آموزش مسئولان صندوق‌ها این مشکل و همچنین مشکلاتی چون پاسخگویی ضعیف آن‌ها برگزاری نامنظم جلسات برطرف گردد.
- در جهت کاهش و مرتفع نمودن چالش‌های قانونی سیاسی به‌عنوان دومین دسته از چالش‌های استخراج شده در استان لرستان، تصویب قوانین و مقررات شفاف و مناسب در بخش‌هایی که خلاء حمایت قانونی از صندوق‌ها وجود دارد و همچنین بازنگری قوانین ضعیف در حوزه فعالیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی پیشنهاد می‌شود.
- سومین دسته از چالش‌ها یعنی چالش‌های تولیدی بازاریابی که عمدتاً ناشی از وجود واسطه‌ها و نداشتن مهارت‌های بازاریابی اعضای صندوق هاست، می‌تواند از طریق ارائه آموزش‌های لازم در زمینه بازاریابی محصولات به اعضای صندوق‌ها و تشکیل تعاونی‌های فروش تا حد زیادی مرتفع گردد. همچنین برگزاری نمایشگاه‌های فصلی فروش محصولات نیز می‌تواند به عرضه مستقیم و بی واسطه محصولات تولیدشده توسط زنان کمک شایانی نماید.
- در خصوص چالش مربوط به ویژگی‌های اعضای صندوق‌ها پیشنهادهایی از قبیل، دخیل نمودن بیشتر زنان در فعالیت‌ها تولیدی، برگزاری کلاس‌های روان‌شناسی و مشاوره برای بالا بردن اعتماد به نفس زنان و تغییر نگرش جامعه نسبت به نقش زنان و احترام به حق و حقوق آنان در خانواده و جامعه از طریق رسانه‌هایی چون صداوسیما ارائه می‌شود.
- در راستای حل چالش‌های آموزشی، با توجه به مبلغ ناچیز وام‌های پرداخت شده به زنان (میانگین ۶۶۰ هزار تومان)، برگزاری کلاس‌های آموزشی مشاغل خانگی زودبازده و با نیاز کم به سرمایه برای اعضای صندوق‌ها پیشنهاد می‌شود.
- جهت کاهش چالش‌های مالی و اعتباری و برای اثربخشی بهتر صندوق‌ها، بالا بردن میزان اعتبار از طریق حمایت‌های قانونی و بازنگری در نرخ سود وام پیشنهاد می‌شود.
- حل آخرین دسته از چالش‌ها یعنی چالش‌های پایشی - برنامه‌ریزی که ناشی از مصرف وام در موارد غیر توانمند ساز و عدم نیازسنجی از سوی صندوق‌های اعتباری خرد است، به‌طور اساسی مستلزم نظارت دقیق‌تر و پایش مستمر مسئولان بر چگونگی و نحوه مصرف وام و ارتباط مداوم با صندوق‌ها می‌باشد.
- منابع و مأخذ**
- بختیاری، ص. (۱۳۸۶). مالیه خرد راهکاری برای افزایش تولید بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی. مجله دانش و توسعه (علمی- پژوهشی)، سال ۱۷، شماره ۳۰، صفحات ۲۱-۱.
 - پاپزن، ع.، خالدی، خ.، و سلیمانی، ع. (۱۳۹۰).
 - ارزشیابی آموزش‌های فنی حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی. فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال ۲، شماره ۳.
 - حسن‌زاده، ع.، و قویدل، ص. (۱۳۸۴). چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران (مقایسه تطبیقی صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش). مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۳، شماره ۴۹، صفحات ۱۸-۱.
 - خداوردی‌لو، س.، و بریمانی، ف. (۱۳۸۸). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان فقیر و سرپرست خانوار. دومین همایش مجموعه مقالات توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، شهرداری (امور بانوان)، تهران، صفحه ۲.
 - شادی طلب، ژ.، وهابی، م.، و ورمزبار، ح. (۱۳۸۴). فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۴، شماره ۱۷، صفحه ۱.
 - عزیزی خالخیلی، ط.، و زمانی، غ. (۱۳۹۲). ادراک کشاورزان نسبت به خطرپذیری (ریسک) کار کشاورزی در شرایط تغییرات اقلیمی: مورد مطالعه شهرستان مرودشت استان فارس. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی. جلد ۹، شماره ۲، صفحات ۵۲-۴۱.
 - علاءالدینی، پ.، و جلالی موسوی، آ. (۱۳۸۹). ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران. فصلنامه توسعه روستایی، دوره ۲، شماره ۲، صفحه ۸.
 - فقیری، م.، زرافشانی، ک.، و علی‌بیگی، ا. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۳، صفحات ۲۲-۱.
 - قلی‌نیا، م.، فرید، ه.، و فرجی، ا. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر موفقیت و عدم موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی (مطالعه موردی: استان‌های مازندران و کرمانشاه). مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی، آذرماه ۱۳۸۴، تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، صفحات ۳۸۱-۳۴۹.
 - کتابی، م.، یزدخواستی، ب.، و فرخی راستایی، ز. (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه. نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۱، سال ۳، ش ۷، صفحات ۳۰-۵.
 - مافی، ف. (۱۳۸۶). نظام اعتبارات خرد؛ راهکار عملی توانمندسازی دهک‌های پایین درآمدی در پذیرش سهام عدالت. معاونت پژوهش‌های اقتصادی، مرکز استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، صفحه ۴.
 - محمدی‌یگانه، ب.، چراغی، م.، و احمدی، ک. (۱۳۹۳). بررسی آثار اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی فقرای روستایی (مطالعه موردی: دهستان غنی بیگلر، شهرستان زنجان). فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۲، شماره

International Journal of Multidisciplinary Research and Development. 2 (5): 380-385.

26. Yogendrarajah, R., & Lecturer, S. (2014). Impacts of Microfinance Institutions: Issues and Concepts-An Empirical Study on Sri Lankan Context, Journal of Business & Management (COES&RJ-JBM), 2(4), Retrieved from: <http://www.centrefexcellence.net/J/JBM/Vol2/No4/Article3,pp.302-315.pdf>

۳۵، صفحات ۲۴۷ - ۲۳۳.

۱۳. مدیریت ترویج جهاد کشاورزی استان لرستان. (۱۳۹۵). گزارش عملکرد وضعیت صندوق‌های اعتباری خرد در استان لرستان، صفحه ۳۵.

۱۴. مهاجرانی، م. (۱۳۸۲). بررسی وضع اعتبارات خرد در ایران و بعضی از کشورهای موفق در این زمینه، موسسه همیاران غذا، قابل‌دسترسی در سایت: www.hamyaran.org/images/kncenter/micro%20finance.pdf

۱۵. میرترابی، م.، حجازی، ی.، و حسینی، س. (۱۳۸۹). عامل‌های ارتباطی تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی (مطالعه موردی: بخش آسارا، کرج). فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال ۱، شماره ۴، صفحات ۳۸-۲۱.

۱۶. نجفی، ز.، و حیاتی، د. (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد تشکل‌های آبران از دیدگاه اعضاء: مورد مطالعه اتحادیه تشکل‌های آب بران کانال اردیبهشت درودزن فارس. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۸، شماره ۱، صفحات ۷۳-۸۵.

۱۷. نگین، و. (۱۳۸۴). نقش تأمین مالی خرد در کاهش فقر. فصلنامه تأمین اجتماعی، سال ۷، شماره ۲۲، صفحه ۱۳.

18. Hennink, M., Kiiti, N., Pillinger, M., & Jayakaran, R. (2012). Defining Empowerment: Perspectives from International Development Organisations. *Development in Practice*, 22(2): 202-215.

19. Hoque, M., & Itoharu, Y. (2009). Women Empowerment through Participation in Micro-Credit Program: a Case Study from Bangladesh. *Journal of Social Sciences*, 5(3): 244-250

20. Kaur, A., Sherbinin, A., Toure, A., & Jensen, L. (2005). Economic Empowerment of Women. United Nations Population Fund 220 East 42 ND Street New York, New York 10017 (UNPF).

21. Meyer, R. (2012). Microcredit and Agriculture: Challenges, Successes, and Prospects: 18, Retrieved from: <https://www.incofin.com/sites/default/files/attachments/publications/Microfinance%20and%20agriculture.pdf>

22. Rathirane, Y., & Semasinghe, D, M (201۴). Role and Impact Relationship Between Micro Finance And Poor's access. *The International Journal for Economics and Business Management*, 3(1): 103.

23. Rehman, H., Moazzam, A., & Ansari. N. (2015). Role of Microfinance Institutions in Women Empowerment: A Case Study of Akhuwat. *Pakistan. South Asian Studies*, 30 (1): 107-125.

24. Sinha, B., Jha, S., & Negi, N. S. (2012). Migration and Empowerment: the Experience of Women in Households in India where Migration of a Husband has Occurred. *Journal of Gender Studies*, 21(1): 61-76.

25. Saharan, N. (2015). Women Empowerment through Micro Finance: A Boon for Development.